

خبرنامه

چریکهای فدائی خاق ایران - مازندران

تاریخ ۱۳۵۸/۱۲/۲۱

شماره ۱۶

باید در جریان مبارزات توده‌ها،
در هر شکل و سطحی که باشد،
قرار داشت و آنرا ارتقاء داد!

پیش بسوی سازماندهی مسلح توده‌ها!

خلع سلاح توده‌ها زیر پوشش خلع سلاح گروه‌ها

چندی پیش، یعنی قبل از آنکه رژیم شعار "ارتش بیست میلیونی" را مطرح کند، تلویزیون جمهوری اسلامی، برنامه‌ای از آموزش نظامی کودکان خردسال را نشان داد. کودکان ۱۰ تا ۱۲ ساله را کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان با استفاده از تمامی امکانات دولتی بمدت ۱۰ روزه اردوگاه میبرد و با آنها آموزش نظامی میداد.

تا اینجا قضیه ظاهراً هیچ اشکالی ندارد ولی هنگامی که گزارشگر تلویزیونی از مسئول این برنامه در باره علت وجودی این دوره‌های آموزشی سؤال کرد، پاسخ مسئول برنامه روشنگری از نکات بود. او گفت: "از آنجائیکه بعضی از گروه‌های سیاسی - نظامی با ایدئولوژیهای منحرف در جامعه وجود دارند و از آن جائیکه آموزشهای نظامی در میان مردم ما جذابیت دارد و در نتیجه این گروه‌ها میتوانند در میان مردم ما رسوخ کنند، ما این برنامه‌ها را ترتیب دادیم تا جذابیت مسائل نظامی را در میان نوجوانان از میان ببریم و رسوخ این گروه‌ها و ایدئولوژیها را در میان آنها سست نمائیم" (نقل به معنی)

پاسخ بسیار صریح و روشن بود، آنقدر صریح و روشن که از سیمای جمهوری اسلامی که مرکز خسر و اشاعه دروغ و تزویر است بعید مینمود آنرا خسر کند و این از مواردی بود که قیچی سانسور نه بعلت فراموشکاری بلکه بعلت نفهمی وظیفه خود را خوب!! انجام نداده بود و درست بهمین خاطر است که ما میتوانیم این فیلم را بعنوان یک مثال مناسب از موضع توده‌ها در باره سلاح و خلع سلاح و تفکر رژیم در این باره، مورد نظر قرار دهیم.

بیائید به تحلیل کوتاه گفته‌های مسئول برنامه آموزش نظامی نوجوانان بپردازیم. او میگوید: "..... از آنجا - نیکه آموزشهای نظامی در میان مردم ما جذابیت دارد....." این سخن بیانگر چه مسئله‌ای است؟ این سخن نشان دهنده آنست که اولاً: مردم میهن ما شیوه اصلی مبارزه با امریالیسم را شناخته‌اند و بر آن تاکید دارند. این آگاهی از یکسو نتیجه تجربه سالها شکست دیگر اشکال مبارزه در مقابل دیکتاتوری محمد رضا شاهی بود و از سوی دیگر حاصل فعالیت سازمانهای انقلابی معتقد به مبارزه مسلحانه در طول ۹ سال مبارزه در شرایط خفقان بود. مردم ما از آغاز مبارزات وسیع خود تا قیام ۲۱ و ۲۲ بهمن ماه این تفکر را بوضوح نشان دادند. بکار بردن قهر در اشکال ابتدائی آن از همان آغاز حرکت توده‌ها بچشم میخورد. توده‌ها گرایش خود را چه در عمل و چه در شعارهای خود متجلی میکردند، شعارهایی چون "تنها ره رهایی جنگ مسلحانه" و "یا رهبران ما را مسلح کنید" و..... نشان دهنده چنین تفکری بود که تبلور خود را در قیام ۲۱ و ۲۲ بهمن ماه نشان داد. این آگاهی ارزان بدست نیامده بود که اکنون نیز آسان از دست برود. این آگاهی حاصل سالهای طولانی زندگی در زیر شدیدترین فشارها و اعمال قهر دیکتاتوری و مشاهده مبارزه و بقای سازمانهای سیاسی - نظامی در چنین شرایطی بود. شرایطی که در آن هر شکل از مبارزه بدون توسل بقهر انقلابی، محکوم به شکست بود.

تا نیا مردم ما در شرایط کنونی مسئله مبارزه با امریالیسم و ایادی داخلیشرا نه به فراموشی سرده اند و نه آنکه دولت کنونی را یار خود در این مبارزه می بینند. زیرا امروزه مردم ما این دولت را بعنوان یک دولت ضد امریالیست نمی شناسند و حتی بخشی از آنان که هنوز بماهیت این دولت بی نبرده اند، حد اقل این دولت را دولتی نمی دانند که توانائی مقابله با امریالیسم را داشته باشد.

پس خلق ما هنوز مبارزه با امریالیسم را در پیشروی خود می بینند و می داند مبارزه تعیین کننده‌ای که بتواند دست امریالیسم را از میهن ما کوتاه کند هنوز صورت نگرفته است.

حاکمیت کنونی گرایش توده‌ها را در بکار بردن قهر انقلابی بسیار خوب درک کرده است. یک محاسبه ساده با امکان میداد که از مدت‌ها پیش دریابد که توده‌ها چنین تفکری دارند. مجموعه سلاحهای که در جریان قیام دلیرانه ۲۱ و ۲۲ بهمن ماه خلق ما صادره نمود، با آمار سلاحهای که علیرغم تمام فتواها، تهدید به اعدامها و قوانین سخت بدولت با زگردانده شد بسیار متفاوت است و این آمار را دولت دقیقتاً از همه در دست داشت. خلق سلاحهای خود را به زرادخانه ارتش باز نگرداند و از باز پس دادن آنها سرباز زد. نفوذ معنوی سازمانها بی که خلق ما آنها را بعنوان سازمانهای سیاسی - نظامی می شناسد، دقیقاً از همین روحیه و بینش مردم ناشی شده است و بهمین خاطر است که مسئول آموزش نظامی نوجوانان میگوید: "..... در نتیجه این گروه‌ها میتوانند در میان مردم ما رسوخ کنند....." و این درست همان نکته‌ای است که پشت حاکمیت را می‌لرزاند.

در رویارویی با این مسائل است که حاکمیت برای خلع سلاح توده‌ها به تسکین افتاده است. حاکمیت ابتدا

شمار ارتش ۲۰ میلیونی را مطرح نمود. شعار ارتش ۲۰ میلیونی ضرب المثل "سنگ بزرگ علامت نزدن - است" را تداعی میکند. حاکمیت این بار نیز به حیلۀ ای که در مسئله شوراها بکار برد متوسل شد. در آن زمان توده ها همگی خواستار تشکیل شوراهای خلقی بودند. مردم میخواستند در حاکمیت سیاسی شرکت کنند و شوراها را وسیله مناسبی برای اینکار تشخیص دادند. ابتدا حاکمیت سرسختانه در مقابل شورا ایستادگی کرد اما هنگامیکه با خواست وسیع توده ها مواجه شد برای مقابله با توده ها به شیوه "ظریف" تری متوسل شد، خود را موافق آن نشان داد و سپس شوراها را به آنچنان شیربی یال و دم و اشکم تبدیل کرد که توده ها از آن روی برگرداندند. اکنون نیز طرح ارتش ۲۰ میلیونی دقیقاً همین هدف را دنبال میکند. توده ها خواستار آنند که مسلح باشند و آموزش نظامی ببینند. دولت میگوید میخواهید آموزش نظامی ببینید؟ میخواهید مسلح باشید؟ بسیار خوب من شما را به خواسته هایتان میرسانم آنگاه جلو می افتد و توده ها را به کجراه میکشاند، اهداف آنها را تغییر میدهد و دست آخر خواسته های مردم را به چیزی بوج تبدیل میکند. حاکمیت درست باین دلیل شعار ارتش ۲۰ میلیونی را مطرح کرده است که میداند چنین ارتشی تشکیل نخواهد شد و همه چیز در حد تبلیغاتی پرسرو صدا باقی خواهد ماند و بدین ترتیب میخواهد تا توده ها را بازی بگیرد و گروههای سیاسی هم که بدنبال رژیم راه افتاده و برای ارتش ۲۰ میلیونی او به به و چه چه میکنند و کف میزنند نیز در فریب توده ها شریک گردند.

در کنار این عوامفریبی اکنون دولت به رهبری آقای رئیس جمهور شعار خلع سلاح توده ها را تحت پوشش خلع سلاح گروههای سیاسی دنبال میکند. اگر دولت شعار تشکیل ارتش ۲۰ میلیونی را تنها بعنوان یک شعار توخالی مطرح میکند، اما در مورد خلع سلاح میخواهد عملاً اقدام نماید. حاکمیت نمیتواند مستقیماً شعار خلع سلاح توده ها را مطرح کند زیرا با طرح صریح این مسئله نیت واقعی خود را بیشتر آشکار خواهد کرد، پس از زاویه خلع سلاح گروهها وارد میشود و با تبلیغات کرکننده و وسیع چنین وانمود میکند که مسئله نظم اجتماعی و امنیت مطرح است.

آقای رئیس جمهور خصوصاً بارها و بارها از نظم اجتماعی و امنیت سخن گفته است بی آنکه صریحاً توضیح دهد که چگونه نظم و چگونه امنیتی را طلب میکند. البته سخنان او با بازاریان تهران روشننگر تفکرات ریاست جمهوری در مورد نظم و امنیت است. او بازاریان را از طغیان مردم می ترساند و بی نظمی را در مبارزات توده ها میبیند. همه مدانند که در دوره محمد رضا شاه خائن نیز هم نظم وجود داشت و هم امنیت، نظم و امنیتی که شاید آقای رئیس جمهور و شورای انقلاب بدان غبطه بخورند، اما این نظم و امنیت برای که بود؟ برای عده ای سرمایه دار نوکر امپریالیسم و گردن کلفت های درباری.

درست همین نظم و امنیت برای سرمایه های امپریالیستی و صاحبان این سرمایه ها، عین بی نظمی و عدم وجود امنیت برای توده ها بود. حکومت هر زحمتکشی را که میخواست می گرفت و می بست و میزد و میکشت. تا آنجا که نمیتوانست ثروت خلق را میدزدید و می چاپید. تا آنجا که میتوانست زحمتکشان را استثمار میکرد و هیچکس هم نمیتوانست به حکومت محمد رضا شاهی بگوید که بالای چشمت ابروست چرا که نظم وجود داشت، نظمی که ساواک، ارتش، شهربانی و . . . همه حافظ آن بودند. و بدین ترتیب دیدیم که این نظم جهانی چگونه توده ها را تحت فشار قرار داده بود و چگونه امنیت برای سرمایه های آمریکائی، آلمانی فرانسوی و ژاپنی عین عدم امنیت برای مردم زحمتکش میهنمان بود. این نظم و امنیت همان چیزی بود که مردم ما علیه آن بپا خاستند و آنرا برهم ریختند. نظمی که بکار سرمایه داران وابسته بیاید، ذره ای بسرای خلق ما ارزش ندارد و امنیتی که امنیتی بالائی ها باشد، دشمن بایستی هاست. خلق تنها آن نظمی را واقعا می پذیرد که حاصل اعمال حاکمیت خود اوست و امنیتی که حافظ منافع او در برابر امپریالیستها است.

حکومت کوشش میکند با همین شعار نظم و امنیت، خود را سخنگوی ملت قلمداد کند و اهداف ضد مردمی خود را در لفافه ای از فریب و نیرنگ بیوشاند.

باید از خود برسید وجود سلاح در دست مردم چه نیروهایی را به وحشت می اندازد و بضرر چه کسانی است؟ وجود سلاح در دست مردم، کسانی را به وحشت می اندازد که میخواهند با توسل به شیوه قهر ضد انقلابی مبارزات خلق را سرکوب نمایند و از آنجائیکه مسلح بودن خلق چنین شیوه عملکردی را نمیتوان خواهد ساخت و این حربه قدیمی دولتهای وابسته به امپریالیسم را کند خواهد کرد، اینچنین از خلسق مسلح می هراسند و وحشت دارند.

در شرایط جامعه ما تنها یک خلق مسلح قادر است که از دست آورد مبارزه خود دفاع کند، قادر است سازمانهای خلقی خود (از سندیکا و شورا گرفته تا گروههای سیاسی) را با برجا نگهدارد زیرا که زور

مسلح ضد خلق را با زور مسلح توده ای اسخ خواهد داد. نمونه روشن آن مبارزه خلق دلیبر کرد است. خلق کرد نه تنها قادر شد که دست آورد مبارزات خود را حفظ کند، بلکه با ایداری خود امکان سرکوب وسیع و گسترده ای را که رژیم برای سراسر ایران طرح ریزی کرده بود، موقتا خنثی کرد.

این طبیعی است که در شرایطی که باند های سیاه مسلح در گوشه و کنار کشورمان سازمان یافته اند، در شرایطی که منظور از ارتش ۲۰ میلیونی چیزی جز تقویت "سازمانداران" که رو در روی مردم ایستاده است نیست، در شرایطی که ارتش امریالیستی بسرعت بازسازی میشود، دولت در فکر خلع سلاح توده ها باشد. تمامی این ارگانهای سرکوب زمانی میتوانند بر خلق موثر واقع شوند که خلق ما یارای مقابله با آنها نداشته باشد و در برابر آن سر تعظیم فرود آورد.

آقای رئیس جمهور قبل از آنکه رئیس جمهور شود، همواره در تئوریهای خود بر علیه تئوری "زورمندی" تبلیغ مینمود. غرض از این شعار ظاهر آن بود که ایشان با اعمال زور برای حل مسائل اجتماعی "از هر طرف" که باشد مخالفند. ولی از زمانی که ایشان در پیشانی ماشین دولتی قرار گرفت آشکار شد که مخالفش با تئوری "زورمندی" چیست، معلوم شد که ایشان چندان هم از اعمال زور بدشان نمی آید و حاضرند در شرایط مقتضی با "فاطمیت" و "!!!" و "خانه بخانه" نیروهای خلقی را سرکوب کنند. معلوم شد که زور چندان هم بد نیست!! بشرط آنکه فقط آقای رئیس جمهور و ماشین دولتی آنها برای بساز سازی و حفظ نظم گذشته بکار گیرند. اما از آنجائیکه آقای رئیس جمهور معتقد است که "باید واقعیات را با مردم در میان گذاشت"!!! و اکنون نیز مبلغ خلع سلاح گروهها از طریق فراندوم شده است، خوب بود که نیت واقعی خود را آشکار میکرد و بجای طرح مسئله خلع سلاح گروهها هدف واقعی خود، یعنی خلع سلاح توده ها را به فراندوم میگذاشت. اما آقای رئیس جمهور میدانند که اسخ توده ها چه خواهد بود. حکومت قطعا بیاید که قبل از دولت فعلی، یعنی در زمان نخست وزیری بازرگان (که اکنون کوس رسوائی بر سر هر کوی و برزن نواخته شده، گرچه آقای رئیس جمهور ایشان را هنوز چهره محبوب ملت می داند) شورای انقلاب و دولت کوشیدند تا مردم را خلع سلاح کنند. از طریق رادیو - تلویزیون و مطبوعات مردم را تهدید کردند، فتوا صادر کردند که باید سلاحهای خود را بدولت تحویل دهند اما اسخ مردم بدانها روشن بود، اسخ مردم حرکت عملی آنها بود. مردم به خلع سلاح تن در ندادند و همه تبلیغات و تهدیدات بی اثر ماند، رئیس جمهور زرتکتر از آنست که آنچه را که یکبار تجربه شده است بار دیگر بهمان شیوه بیازماید.

مردم ما بضرورت مسلح بودن آگاه شده اند و بر آن ای میفشارند. آنها میدانند که در شرایط کنونی جهان، خلقهای مسلح همواره امریالیستها و دولتهای دست نشانده آنها را به نابودی میکشانند و منجر به ایجاد و تقویت دولتهای خلقی میگردد. اگر دولتی انقلابی باشد، خلق خود را مسلح میکند تا بتواند با تکیه بر نیروی خلق در مقابل امریالیسم ایستادگی و مقاومت کند.

اکنون دولت وابسته و نیروهای سیاسی فرصت طلب دست بدست هم داده اند تا خلق ما را خلع سلاح کنند، اما تجربیات مبارزات خلق ما در طول سالهای دراز دیکتاتوری بسیار گویاتر از آنست که اینسان در اهداف خود موفق شوند.

خلع سلاح توده ها تحقق ایده امپریالیستهاست

بایبل — دیروز — لا

کارخانه ایرا — کم

از بستگان " شریف امامی " خائن می باشد .

شوراهای کارگری رشت طرح تصویبی " شو
— رای انقلاب " در مورد سود ویژه سال ۵۸ را غیر
اصولی دانسته ، آنرا مردود شمردند .
رشت

ساز تصویب طرح جدید " شورای انقلاب
— ب " در مورد سود ویژه سال ۵۸ ، نمایندگان
شوراهای کارگران در کارخانه " بوشهر " جمع شده به
بحث و تبادل نظر در مورد طرح مذکور پرداختند و
سرانجام آنرا مردود دانستند .

آنگاه خود کارگران ، پس از چندین جلسه گفتگو و بررسی
در تاریخ ۵۸/۱۱/۲۱ طرحی را تصویب کردند که
بر مبنای آن حداقل سود ویژه یا عیدی که به کارگران
تعلق میگیرد نباید کمتر از ۱۰/۰۰۰ تومان باشد .
این طرح مورد استقبال و قبول کلیه شوراهای کارگری
گیلان ، بخصوص در رشت قرار گرفت .

در کارخانه های " بیا " و " صنایع چوب " رشت ، سود
ویژه و سایر مزایا بین کارگران تقسیم شده است . به
کارگران " بیا " بین ۱۰/۰۰۰ تا ۱۵۰/۰۰۰ تومان
رسیده است و به افرادی که دارای حقوق ماهانه بیشتر
از ۱۰/۰۰۰ تومان بودند ، ۱۵۰۰۰ تومان به
عنوان سود ویژه پرداخت شده است . مآخذ پرداخت
برای کارگران ۴ ماهه و ۱۱ ماهه در نظر گرفته شد
در " صنایع چوب " رشت ، واقع در جاده رشت — فومن
برای کارگران ۱۱ هزار تومان ، برای متصدیان
۱۱/۵۰۰ تومان و برای سررستان ۱۲۰۰۰ تومان
در نظر گرفته شد .

بایبل

در خبر نامه شماره ۱۴ با اطلاع رساند —

یم که کارگران شهرداری برای دریافت حقوق ۱۲۰
ساعت اضافه کاری که با وجود گذشت چند ساء از
موعد پرداخت آن به کارگران داده نشده بود ، به
حسابدار شهرداری مراجعه کردند و پس از درگیری
با حسابدار و گفتگو با مسئولان سرانجام قرار بر آن
شد که برای تعیین تکلیف خود به " استانداری " —
مراجعه کنند .

پیرو این تصمیم ، کارگران به استانداری مراجعه
کردند و در آنجا بآنها قول پرداخت حقوق معوقه
داده شد . کارگران در ضمن موضوع مربوط به ۷۵۰
تومان مزایای غیر مستمر خویش را نیز مطرح کردند و
خواستار پرداخت آن شدند . کارگران در سال گذشته
این پول را دریافت میکردند ولی بعداً حکومت که
نیتوانست از عهده پرداخت هزینه های سنگین اداری

تعداد کارگران و کارمندان این کارخانه رویهم ۱۸
نفر است و هر ساله از ابتدای فروردین تا آخر شهریور
حدود ۲۰ کارگر فصلی (زن) نیز توسط کارخانه
استخدام میشوند . تولید اصلی کارخانه " ضد بیخ " است
ولی کارخانه مدتی است که چسب مایع مورد
صرف کفشسازها را نیز تولید میکند . میانگین حقوق
کارگران ۷۰۰ ریال است .

روز پنجشنبه ۵۸/۱۲/۱۶ ، کارفرمای کارخانه ایرا کم
(شرکت تولیدی ضد بیخ) کارگران را به دفتر کار
خویش فرا خواند . پس از گرد آمدن کارگران ، کارفرما
شروع به صحبت نمود و توضیحاتی در مورد وضعیت
تولیدی سال جاری داد . وی گفت که وضع تولید کار-
خانه بسیار بد بود و ما امسال فروش درست و حسابی
نداشتیم . یکی از کارگران در پاسخ وی گفت : " همه
کارگران میدانند که امسال کارخانه ۶۰ میلیون تومان
فروش داشت ، یعنی فروش کارخانه خوب بود ."

کارفرما که از " زبان درازی " کارگر بخشم آمده بود
برای آنکه بخیال خود او را مرعوب سازد فریاد زد که
تو کمونیست هستی ، تو مارکسیست هستی و همیشه
!خلال میکنی و سسر رگبار فحش و جملات تحقیر آمیز
را بشار کارگران نمود و دست آخر به کارگران گفت شما
باید شکر گزار باشید که دارای شغلی هستید و بیکار
ول نمیگردید و بدین ترتیب بطور ضمنی آنها را تهدید
به اخراج کرد .

پس از این زمینه سازها ، کارفرما گفت که برای تشویق
کارگران و بالا بردن بازده کار ، قصد دارد شورایی
برای کارگران تشکیل دهد . آنگاه نامه ای را از روی
میز برداشته به کارگران نشان داد و گفت طبق متن
این نامه که از اداره کاربرایمان فرستاده شده است
از امسال ، به نسبت غیبت سالانه هر کارگر ، از سهم
سود ویژه ای که باو تعلق میگیرد کاسته و بقیه باو
پرداخت خواهد شد .

کارگران که بشدت با این موارد مخالف بودند ، لب به
اعتراض گشودند و پس از مخالفت با قانون جدید سود
ویژه گفتند شورایی که شما میخواهید برای ما تشکیل
دهید ، شورایی قلابی است و بهتر است اصلاً چنین
شورایی را نداشته باشیم .

ناگفته نماند که از سوی کمیته ، آخوندی مرتباً به
کارخانه می رود و برای کارگران که کمرشان زیر بار
هزینه های سنگین دو تا شده است در باره مسائل
اخلاقی وعظ و خطابه ایراد میکند و آنها را به " آرامش
و بردباری " دعوت می نماید !

همچنین لازم به تذکر است که صاحب کارخانه فوق ، امامی

ضوابط دست و پاگیر استخدام معترض بودند، ورقه های خود را پاره کردند و یا از تحویل آنها سر باز زدند و یا اصلاً در جلسه امتحان شرکت نکردند تا بدینوسیله عدم رضایت خود از سیاست های دولت در مورد مسئله بیکاری را، نشان دهند.

حدود یکماه بعد مسئولان اعلام کردند که کل مبلغ ۲ میلیون تومان صرف هزینه های امتحان شده است و استخدامی در کار نیست!!

س از این جریانات نوبت به آموزش و پرورش رسید که طی یک خبر اعلام کرد قصد دارد ۳۳ نفر را استخدام رسمی کند. با این خبر، بسیاری از فرزندان زحمت کشان که فشار مشکلات زندگی بر دوش پدران و مادران و خلاصه همه زحمتکشان دور و نزدیک خود را میبینند و از آن رنج میکشند، برای آنکه بتوانند قدمی در راه حل این مشکلات بردارند، راهی مرکز نامنویسی برای شرکت در امتحان مربوطه شدند تا بلکه استخدام شوند و بتوانند بار مصائب خود و اطرافیان را با عواید حاصل از کار خود سبک کنند.

در مجموع حدود ۳۰۰۰ نفر در ساری برای ثبت نام مراجعه کردند و البته ناگفته نماند که برای نام نویسی هر یک از متقاضیان استخدام در "امور دفتر داری و آزمایشگاهی" ۳۰۰ ریال نیز بابت ثبت نام پرداخت کردند (وقتی در گفتگو با مدیر کل فرهنگ استان، بیکاران به پرداخت این شهریه بسی مورد اعتراض کردند، نامبرده در جواب گفت که ۰.۵٪ از این پول به خزانه دولت میرود، یعنی صرف هزینه هایی میشود که معلوم نیست چرا بیکاران باید آنرا بپردازند).

دولت وابسته که از خل مشکل بیکاری عاجز است، به فریب دادن و سردواندن جوانان فعال نیز بسنده نمیکند و هر وقت لازم بداند، وحشیانه آنان را تحت فشار میگذارد تا صدای حق طلبانه شان را در گلو خفه کند. فی المثل مزدوران خود را اجیر کرده به مقابله آنان میفرستد تا با انواع آزارها بخیبالی خود آنها را از فشاری برای کسب حقوق مسلمشان منصرف کند. ویا آقای فرماندار ساری با کمال بسی شرمی به جوانان جویای کار که برای مطرح کردن خواسته هایشان در فرمانداری گرد آمده بودند، وعده سرکوب آنان را میدهد.

(بقیه در صفحه ۷ ستون دوم)

بر آید، بدون توجه به شرایط سخت زندگی این زحمتکشان، پرداخت آنرا متوقف کرد و این در شرایطی بود که با پرداخت وام های کلان به فراری های رژیم سابق، آنها را دعوت به ادامه غارت و چاول مردم می نمود.

استانداری پاسخ داد که در این مورد قانون مشخصی وجود ندارد و قول داد که همه این خواسته ها را به مرکز گزارش کند تا اگر بود چه ای به این امر اختصاص داده شد از محل آن خواسته های کارگران را بر آورده سازند.

کارگران شهرداری به تجربه میدانند که بدون اتحاد با یکدیگر نمیتوانند حقوق خویش را باز ستانند و تا خود آستین بالا نزنند و برای گرفتن حق خود ایستادگی نکنند، مسئولین دولتی همچنان حقوقشان را زیر پا خواهند گذاشت و این حقیقت را طی تحصن ها و اعتصابات و درگیریها و خود از نزدیک لمس کرده اند. بعلاوه آنان بسا پشتیبانی از یکدیگر همین چند یبشر مانع از اخراج ۶۰ تن از کارگران شهرداری که دولت قصد داشت عذرشان را بخواهد شدند.

ساری

اواخر دی ماه ۵۸ طرحی بنام طرح جنگلداری با ۲ میلیون تومان بودجه برای استخدام ۱۵۰۰ نفر بمدت ۸۵ روز اعلام گردید. علت آنکه مدت اشتغال در این طرح ۸۵ روز در نظر گرفته شد آن بود که چون طبق قانون استخدام کشوری، افرادی که درای سابقه استخدامی بیش از ۳ ماه (۹۰ روز) باشند باید به استخدام رسمی دولت در آیند، لذا مدت طرح ۸۵ روز تعیین شد تا بعد تصدی بر دوش دولت قرار نگیرد.

بعد از آنکه در سطح استان هزاران نفر بیکار در امتحان مربوطه طرح فوق شرکت کردند، مسئولان اعلام نمودند از بودجه ای که اختصاص به این طرح داشت، حدود ۵۰۰ هزار تومان خرج شده است و ما نمیتوانیم ۱۵۰۰ نفر را استخدام کنیم و رویهمرفته، تنها قدرت استخدام ۷۵۰ نفر را داریم.

لازم به یاد آوریست که در جلسه امتحان طرح جنگل فارغ التحصیلان بیکار شهرهای آمل، بابل، قائم شهر و محمود آباد که طرح برایشان قابل قبول نبود و به

در جستجوی علت واقعی بیکاری باشیم تا بتوانیم

در مورد آن موضع انقلابی اتخاذ کنیم

نامه يك تركمن

من يك جوان تركمنم و اسمم است و شغلم می باشد . بعد از تحمیل جنگ در ۱۵ بهمن ، من مدت چند روز نتوانستم از گنبد خارج شوم ولی خوشحالم که لا اقل توانستم در خلال جنگ به رفقای رزمنده ام كمك كنم .

روزهای جنگ با شليك گلوله های توپ و خماره و مسلسل های كالبر . . . و صدای حرکت تانكها سري شد و رزمندگان خلق تركمن در مقابل يورش نا جوانمردانه دشمن و در اين جنگ نابرابر ، در اين چند روز ، حماسه های از مقاومت آفريدند . اين مقاومتها تا نيمه شب ۲۴ بهمن ادامه داشت و در اين موقع بدلا ئلی ، خلق دلير تركمن ناگزير به عقب نشینی و تخلیه شهر شد . من نيز به همراه رزمندگان دلير خلق تركمن با روحیه ای بسيار خوب و با امید دستيابی بحق مسلم خلق تركمن و آزادی اين خلق رنج دیده شهر را پشت سر گذاشتيم و سرود خوانان بطرف روستاها حرکت كرديم .

بعد از تخلیه شهر نیروهای اشفانگرا تا مدتی شهامت نزيك شدن به سنگرهای خالی را نداشتند تا اينكه در غروب روز ۲۵ بهمن ماه بود كه سنگرهای خالی را بتصرف خود در آوردند و به ادعای خودشان ، يروز خود در اشغال منطقه تركمن نشين گنبد را جشن گرفتند و تعداد بسيار معدودی از تركمنها را كه نتوانسته بودند از خانه و كاشانه خود دل بكنند و گمان ميكردند كه بدليل يری و بالا بودن سن ، اسد اران كساری بآنان نخواهند داشت به رگبار بستند و كشتند .

بعد از تصرف شهر ، حكومت جار ميزد كه همه جا امن و امان است !! و مردم ميتوانند بسر كار خود بازگردند در غير اين صورت از كار خود اخراج خواهند شد . اما مردم تركمن تا چند روز از آمدن به شهر خود داری كردند تا آنكه سر از يكهفته بتدریج به شهر بازگشتند اما در هنگام بازگشت به شهر عوامل مزدور حكومتي جوانان تركمن را از بقيه جدا ميكردند و آنها را به بازداشتگاه برده مورد آزار و شكجه قرار ميدادند .

من هم به شهر بازگشتم اما در ابتدای قسمت شمالي شهر ، در دستگیر شدم و مرا نيمسز به شكجه گاه بردند . بازجویی همراه با شكجه آغاز شد . از من سؤال ميكردند كه تا اين مدت كجا بودی چرا فرار كردی ؟ و هزاران سؤال مستخره ديگر .

آنها ساعتها مرا شكجه كردند و من نيز مقاومت نمودم . بعد از چند روز آزاد شدم و هنگامی كه به منزل مرا حست كردم ، در برابر خود خانه ای خالی از اثاثیه و در هم كوفته شده دیدم . خانه ای را كه با دست های خودم برای زندگی خود و همسر . ساخته بودم اکنون تبدیل به ویرانه ای شده بود . اما اين تنها خانه من نبود كه ویرانه شده بود ، آنها تمام منازل تركمنها را داغان کرده بودند . اثاثیه ها را غارت کرده و بعضی از خانه ها را آتش زده بودند .

به هر جا ن كندنی بود ، خانه را بشكلی در آوردم كه لا اقل بتوانم شبها سر ناھی داشته باشم ، اما اسد اران شبها نيز مردم تركمن را راحت نميگذارند ، آنها نيمه شب بطرف محلات تركمن نشين سرازير ميشوند و به بهانه اينكه به اين يا آن خانه مشكوكند ، به منازل هجوم می برند و شروع ميكنند به تفتيش و مانند ديوانه ها همه چیز را بهم ميریزند و حتی ديوارهای داخل اطاقها را به رگبار می بندند . آنها هر جوانی را كه در شهر مي بينند دستگیر کرده مورد بازجویی قرار مي دهند . بازجویی ها همیشه با شكجه همراه است مثلا يکی از آشنايان من كه قبل از جنگ به مرخصی رفته بود و سر از جنگ به شهر بازگشت دستگیر شد . اسد اران در خانه او كتابهای ماركسيستی پيدا کرده بودند و می گفتند كه چيی است و بعد از چند روز جنازه او را كه با گلوله سوراخ سوراخ شده بود در مسير امامزاده پيدا كردند .

در طی روزهای جنگ اين جانباين حتی به ساجد تركمنها نيز رحم نكردند . آنها مسجد جامع تركمن و مدرسه طلاب تركمن را بآتش كشيدند و ماهيت خود را نشان دادند .

اکنون با قتل وحشيانه ۴ تن از رهبران خلق تركمن در زندانهای رژیم ، مبارزه خلق تركمن برای دستيابی به آزادی و حقوق حقه خود وارد فصل جديدی شده است . با امید آنكه خلق تركمن و تمامی خلقهای زحمتكش ايران در راه دستيابی به اهداف انقلابی خود موفق شوند . با امید آنروز .

هرچه مستحکمتر باد پیوند خلقهای دلیر ایران

میتینگ و راهیمایی فرمایشی رژیم در گنبد

رژیم با بخش اعلامیه و از طریق بلندگوها در شهر گنبد اعلام کرد که در روز چهارشنبه ۵۸/۱۲/۱۵، در گنبد میتینگ و راهیمایی - بمنظور همبستگی خلق ترکمن و غیر ترکمن برگزار خواهد شد و بدین ترتیب کوشید تا از یکسو اختلافات خلق ترکمن با دولت کنونی را، اختلافات ترکمن و غیر ترکمن جلوه دهد و آنرا به اختلافات قومی منسوب کند و از سوی دیگر بیروزی!! خود را در شهر گنبد جشن بگیرد. اما شعار عوام فریبانه او، یعنی حل اختلاف بین ترکمن و غیر ترکمن نتوانست خلق آگاه ترکمن را بفریبد.

روز چهارشنبه، در میدان مرکزی شهر، این میتینگ، با شرکت حدود ۴۰۰ نفر از مردم غیر ترکمن گنبد و حدود سی و چند تن از ترکمنها برگزار گردید و بدین ترتیب فریب رژیم نقش بر آب گردید. رهبری ترکمن های خود - فروخته با یکی از روحانیون مرتجع ترکمن بنام آنه قلیچ - نقشبندی بود که به همراه تنی چند از دیگر روحانیون مرتجع همچون قوشان آخوند، عطا جان آخوند و قوجقی در این میتینگ شرکت کردند و این در شرایطی است که حکومت بر علیه آخوند ارزانر توطئه میکند.

بعد از چند سخنرانی رهبران میتینگ تصمیم میگرفتند که بطرف محلات ترکمن نشین و ساختمان کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن راهیمایی کنند اما در چهار راه دارابی، سر بچه ۸ ساله ترکمنی در وسط خیابان جلوی یاسدارانی را که در پیشانی تظاهر کنندگان حرکت میکردند گرفت و بزبان ترکمنی گفت که نمیگذارم از این چهار راه عبور کنید. چون یاسدار مزدوری در مقابل به زور و خشونت متوسل شدند جوانان ترکمن در برابر یاسداران قرار گرفتند و آنها را احاطه کردند. مزدوران وقتی وضع را اینچنین دیدند، خبر جریان را به نقشبندی خائن رساندند که او نیز از ترس اوج گیری مبارزه و از آنجائیکه جان حقیر خود و امثال خود را در خطر میدید، ترتیبی داد که مسیر راهیمایی تغییر نماید. پس از آن راهیماییان بطرف مسجد قائمیه حرکت کردند و در آنجا به این راهیمایی کذائی خاتمه دادند و بدین ترتیب نقشه آنها برای برگزاری تظاهرات در منطقه ترکمن نشین گنبد، نقش بر آب شد.

سیمای جمهوری اسلامی نیز خبر این میتینگ را با آب و تاب فراوان گزارش داد بدون آنکه از تعداد واقعی شرکت کنندگان در راهیمایی و بخصوص تعداد ترکمن های شرکت کننده سخنی بمیان آورد و با نشان دادن چند جاش خود فروخته کوشید تا چنین وانمود کند که گوئی این خلق ترکمن است که جنایات رژیم را فراموش کرده و اکنون به او پناه آورده است!!

گنبد
در رابطه با رویدادهای اخیر، دانش آموزان دبیرستانهای بیژن جزنی (سرانه) و کمینه (دخترانه) و مدرس راهنمائی توماج (میر سابق) (دخترانه) و آرش (سرانه) و مختومقلی چراغی (سرانه) و ۱۷ دی (دخترانه) و دکتر مصدق (سرانه) دست بحرکاتی از قبیل تحصن در مدارس و یا تعطیل آنها زدند. بهمین جهت روز شنبه ۵۸/۱۱/۲۷، رئیس آموزش و پرورش گنبد، برخی از مدارس این شهر را منحل اعلام نمود. ولی با وجود این تهدیدها دانش آموزان ترکمن به اعتراض و تحصن خود ادامه دادند.

عوامل مرتجع سپس به حيله دیگری دست زدند و برخی از دانش آموزان غیر ترکمن را بر علیه دانش آموزان ترکمن تحریک کردند و همین تحریکات در دبیرستان دکتر مصدق منجر به زد و خورد شد و دانش آموزان ترکمن برای جلوگیری از اجرای نقشه های شوم ارتجاع، بهتر دیدند که در شرایط موجود دبیرستان را ترک کنند.

در جریان تحصن، دانش آموزان شعار میدادند: اوکو گورک، یازو گورک، ترکمنچه مکتب گورک (زبان و خط ترکمنی باید رسمیت یابد) دشمنان ترکمن تهر سینه، یراق بیلن آت گورک (بر علیه دشمنان اسلحه و تجهیزات لازم است) تا خون در رگ ماست، ارزانر رهبر ماست. هم فرهنگ و هم دانش، رهبر فقط ارزانر. روز عزاست امروز، روز عزا امتحان نمیشه یاسداران مزدور، اخراج باید گردند.

آموزش و پرورش گنبد همچنین حکم ابلاغ رهبر ملی و مذهبی خلق ترکمن، آخوند ارزانر را که قبل از این در دبیرستانهای گنبد بتدریس اشتغال داشت لغو کرد.

بقیه از صفحه ۵

روز چهارشنبه ۵۸/۱۲/۸، بیکاران که برای دریافت کارت ورود به جلسه امتحان "امور دفترداری و آزما - یشگاهی" به محل گرفتن کارت مراجعه کرده بودند گرد هم جمع شدند و به بحث و تبادل نظر با یکدیگر پرداختند و تصمیم گرفتند برای دستیابی به حقوق خود از جمله دستیابی به "کانون" که سابقاً محل اجتماع و بررسی مشکلاتشان بود و بعداً با یورش ارتجاع، بیکاران از این امکان محروم شده بودند، اقدامات لازم را بعمل آورند.

بابل - ارمک

روز سه شنبه ۵۸/۱۲/۷ :
 اهالی زحمتکش روستای " ارمک " (واقع در ۸ کیلومتری بابل) دستجمعی در زمینهای زراعتی این روستا اجتماع کردند و همه بیکدیگر میگفتند اگر همه ما بمیریم ، باز هم از این زمین بیرون نمیرویم چونکه این زمین و باغ مال ماست ، ما در این زمین جان کنده ایم عرق ریختیم زحمت کشیدیم و آبادش کردیم . حالا هم باید مال خودمان باشد .

در این هنگام زمیندار روستای فوق ، یعقوب امیر سلیمانی که از اتحاد روستائیان به وحشت افتاده بود و در مقابل همبستگی روستائیان چاره ای جز توسل به زور و سرکوب زحمتکشان نمیدید ، به باسگاه " کلا گر محله " (روستای مجاور ارمک) مراجعه نمود و رئیس باسگاه مزبور (ترک زبان) را متقاعد نمود که برای سرکوب روستائیان ، نیروهای مسلح خود را به " ارمک " بفرستد .

روستائیان در زمان محمد رضای خائن نیز از دست " یعقوب خان " شکایت کرده بودند اما نتیجه ای نگرفته بودند . برادر این آقای یعقوب امیر سلیمانی از سرهنگهای مزدور رژیم پیشین و از عوامل ساواک بود که اکنون از ترس مردم فراری است . خوشترقی های " یوسف خان امیر سلیمانی " در برابر اربابان منفورش و جنایاتی که نسبت به مردم از او سرزد ، راه را برای پیشرفت وی باز کرد و سرانجام آقا بمقام سرهنگی رسید . قبل از قیام ، بعلت نفوذی که این نوکر جنایتکاران و جلادان حرفه ای یعنی محمد رضای خائن و اعوان و انصارش در ادارات فاسد دولتی بهم زده بود ، شکایت روستائیان از دست یعقوب امیر سلیمانی بجائی نرسید و نمایندگان روستائیان را که برای بدست آوردن حق اهالی زحمتکش روستا ، سه مقام مسئول مراجعه کرده بودند گرفته بزنند انداختند و هر چه روستائیان به دادگاه رجوع میکردند تا تکلیف نمایندگانشان روشن و مشکلاتشان در مورد زمین رفع شود ، کسی گوشش بد هکار نبود .

ستمی که یعقوب امیر سلیمانی تحت حمایت کامل دولت ضد مردمی پیشین بر روستائیان روا میداشت بهمین حد محدود نمیشد و این زمیندار با انواع آزارهای دیگر نیز روستائیان را تحت فشار میگذاشت مثلا در سال ۵۷ استفاده از جاده ارتباطی بین ارمک و کلاگر محله را با این عنوان که جاده مال من است ! و شما حق استفاده از آنرا ندارید برای روستائیان قدغن کرد . مردم ارمک وقتی میخواستند وارد جاده اصلی شوند می بایست از داخل باغی عبور کنند . یعقوب امیر سلیمانی در ورودیه باغ یک در آهنی کار گذاشته بود و مانع از رفت و آمد مردم

میشد و میگفت شما حق ندارید وارد باغ من ! شوید . در حدود ۳ الی ۴ ماه پیش اهالی روستای " ارمک " مدتی مرتباً به دادگاه انقلاب اسلامی بابل مراجعه کرده از " یعقوب خان " شکایت میکردند و از مسئولین میخواستند جاده مذکور را باز کنند تا روستائیان بتوانند رفت و آمد کنند اما " دادگاه انقلاب اسلامی امروز و فردا میکرد و بالاخره هم کاری برای روستائیان نکرد .

زحمتکشان روستا وقتی دیدند کسی به حرفشان گوش نمیدهد ، دور هم جمع شدند و چند نماینده انتخاب کردند . سپس نفری ۱۰۰ تومان برداختند تا مبلفی پول جمع شد و نمایندگان با این پول به تهران سفر کردند تا حرفهای خود را مستقیماً بگوش مسئولین امر برسانند . آنها در تهران به مسئولین مراجعه کرده خواستار ملاقات با اعضای شورای انقلاب شدند . بعد از ۳ روز نوبت ملاقات آنان فرارسید و آنها هم شکایت نامه ای را که اهالی ارمک نوشته بودند تسلیم شورای انقلاب کردند . " شورای انقلاب " یک نامه به این نمایندگان داد و نمایندگان نیز نامه را برداشته به بابل آوردند و آنرا تحویل " دادگاه انقلاب اسلامی " دادند . اما باز هم مشکلی حل نشد . رئیس دادگاه به روستائیان که به " دادگاه " مراجعه میکردند وعده سرخرمن میداد و میگفت صبر کنید رئیس جمهور انتخاب شود ، کارها همه درست خواهد شد !!

وقتی پس از انتخاب رئیس جمهور نیز دردی از روستا - ثیان دوا نشد ، و روستائیان فهمیدند که حکومت با حيله و نیرنگ میخواهد جلوی حرکت آنها را بگیرد روز پنجشنبه ۵۸/۱۲/۷ ، به زمین ریختند تا حقشان را خودشان بگیرند .

اگر چه روستائیان ده ها بار سعی کردند صدایشان را بگوش مقامات برسانند ، اما جز وعده و وعید چیزی دیگری نصیشان نشد ولی همینکه " یعقوب خان " به باسگاه مراجعه کرد و برای سرکوب اهالی زحمتکش روستای " ارمک " کمک خواست ، دو ماشین همراه با چند درجه دار و اسلحه بظرف روستای فوق براه افتادند . " یعقوب خان " گروهی از اهالی روستای " کلاگر محله " را نیز فریب داده با تحریک و تظلمع آنان ، کاری میکند که این روستائیان نیز نا آگاهانه برای سرکوب زحمتکشان " ارمک " بسیج شوند .

همچنین " یعقوب خان " از " حاجی حسن " نیز که فامیل او می باشد کمک خواست و " حاجی حسن " نیز تعدادی از روستائیان " حاجی کلا " و همچنین " سورین " را فریب داده بکمک " یعقوب خان " فرستاد اهالی این سه روستا ، مسلح به داس و چوب و همراه با اسلداران و درجه دارانی که از باسگاه

به روستا آمد و شروع بصحبت با اهالی روستا نمود و گفت برای تقسیم زمینها اساسنامه خاصی وجود ندارد و آقای "منتظری" اساسنامه ای درباره زمین نوشته که شورای انقلاب در آینده آنرا تصویب خواهد کرد و تکلیف همه در تقسیم زمین روشن خواهد شد . این حرفها برای روستائینی که سالها رنج و سختی کشیده و اکنون بس از سالیان دراز زجر و مشقت هنوز هشت شان به نه شان گرو بود و هزار قرض و قوله بالا آورده بودند چه دردی را میتوانست دوا کند ؟ پس از اینهمه صبر و مراجعه بسه مقامات مسئول حالا دیگر روستائیان در یافته بودند که نباید فریب وعده های دروغین را بخورند بهمین جهت بسرخنان آقای اکبری اعتراض کردند و آقای اکبری هم وقتی که نارضایتی روستائیان و پافشاری آنان برای گرفتن زمین ، یعنی حق مسلم خودشان را دید ، ناچار شد قبول کند که روز پنجشنبه ۹/۱۲/۱ نیز به روستا بیاید و زمینهای زراعتی را متر اژ کند تا پس از تعیین مساحت ۱۰ هکتار از زمینها به خانواده نوشیروانی و باقی به زحمتکشان روستا تعلق یابد .

روز پنجشنبه مساحان به روستا آمدند و زمین را متر اژ کردند و طبق محاسبه خودشان آنرا ۶۸ هکتار بر آورد کردند و گفتند گزارش کار خود را به "دادگاه انقلاب" خواهند فرستاد تا دادگاه در مورد آن تصمیم بگیرد .

زحمتکشان روستای "چمان" دست به مصادره زمینهای خود زدند .

ساری
برای آگاهی بر آنچه که در روستای "چمان" اتفاق افتاده است ، بهتر است به متن اعلامیه ای که روز دوشنبه ۲۰/۱۲/۵۸ پخش گردید مراجعه کنیم . ما عین متن را در اینجا درج می کنیم :

بقیه در صفحه ۱۳

اعزام شده بودند به "ارمک" رفتند . سر زمین ، هنگامیکه احتمال بروز درگیری میرفست ، پاسداران شروع به شلیک تیرهای هوایی کردند تا بخیال خود مردم را بترسانند اما زحمتکشان که بسه حقانیت خود ایمان داشتند ، از مرگ نیز نمیترسیدند بهمین جهت دلیرانه به مزدوران حمله بردند طوری که آنها را وادار به فرار کردند .

وقتی مهاجمین در حال فرار بودند ، اهالی روستای "ارمک" آنها را دنبال کرده هرکه را بچنگ می آوردند حسابی مشت و مالش میدادند تا دیگر هوس خوش رقصی برای "یعقوب خان" پست و امثال او بسرشان نزنند و بر علیه زحمتکشان شریف بسیج نشوند .

اهالی روستای "ارمک" که از اقدامات بیشرمانه "یعقوب خان" تحت حمایت یاسگاه ژاند ارمیری و "پاسداران انقلاب اسلامی" سخت خشمگین بودند به "دادگاه انقلاب اسلامی" بایل مراجعه کرده شکایت نامه ای بر علیه "حاجی حسن" و "یعقوب خان" تسلیم کردند اما این بار هم مثل همیشه بحرفهایشان اعتنائی نشد .

زحمتکشان "ارمک" بس از این جریانات میگفتند : ما دیگر به دادگاه نمیرویم ، آخر این چه "دادگاه انقلابی" است ؟ آنهایی که بالا بالا می نشینند ، دم از طبقه زحمتکش جامعه میزنند ولی در عمل طرفداری از زمین داران می کنند . زحمتکشان "ارمک" میگفتند از این بعد تک تک افراد ارمک ، هر کدام یک رئیس دادگاه و معاون دادگاه هستیم و خودمان کارهایمان را درست میکنیم .

هم اکنون زمینهای مزروعی روستای "ارمک" (حدود ۳۰ هکتار) در اختیار اهالی زحمتکش "ارمک" است که شب و روز در آن پاس میدهند و بدین ترتیب از حقوق خود دفاع میکنند .

بابل
نوشیروانکلا — روز جمعه ۴/۱۲/۵۸ ، زحمتکشان روستای نوشیروانکلا دستجمعی بدرون زمین های تحت اختیار خانواده نوشیروانی ، زمینداران بزرگ روستا ریختند و همه با هم به شخم زدن در آن پرداختند کشاورزان میگفتند هر کس و هر مقامی بخواید مانع کار ما شود ، ما تا پای جان مقاومت خواهیم کرد . پس از این رویداد روز چهارشنبه ۸/۱۲/۵۸ آقای اکبری از طرف شورای حل اختلاف زمینها برای تحقیق

زمین از آن کسی است که روی آن کار میکند

دسیسه تازه زمینداران

ما در خبرنامه شماره ۷ نوشته بودیم که اعضای "اتحادیه زمینداران" برای غصب مجدد زمینهایی که توسط زحمتکشان روستاهای مختلفه صادره شده بود، به چه اقداماتی دست زدند. ما طی خبری که در آن خبرنامه درج شد با اطلاع رساندیم که زمینداران برای مشورت و دسیسه چینی بر علیه زحمتکشان جلساتی تشکیل میدهند و در یکی از این جلسات (که در تاریخ ۵۸/۹/۱۳ در بابل برگزار شد) قرار بر آن گذاشتند که برای پیشبرد نقشه‌های خود، هر یک از اعضا مبلغ ۵۰۰۰ تومان بردازند تا با بولی که بدین طریق جمع میشود، احتیاجات مالی "اتحادیه" تامین گردد.

در شرایط کنونی، مبارزات کارگران، دهقانان زجر کشیده، خلقهای دلیر ایران که حقوق خود را طلب میکنند و همه اقشار مترقی دیگر، آنچنان عرصه را بر ارتجاع تنگ کرده‌است که با وجود همه تلاشهای مزدوران و نوکران تازه بقدرت رسیده امریالیسم، سرکوب موفقیت آمیز این مبارزات برای ارتجاع میسر نیست زیرا همین مبارزات دلیرانه، مانع از آن میشود که حکومت یکپارچگی خود را برقرار کند. در چنین شرایطی دستجاتی از طبقه حاکمه خود را سا با سازماندهی جداگانه و اختصاصی در حفظ منافع خود میکوشد و زمینداران نیز بیهوده همین دلیل دست به ایجاد سازمانهایی میزنند که بتوانند در بنای آنها، شرایط را برای غارتگریهای خود و اربابانشان آماده سازند.

اما تاسیس اتحادیه تازه قدم اول زمینداران بود "اتحادیه" در تعقیب اهداف خود تصمیم گرفت به تشکیلات خود سر و سامان بیشتری ببخشد تا قدرت سرکوب زحمتکشان را که برای گرفتن حق خود بسیار خاسته‌اند، داشته باشند. از اینرو زمینداران در جلسه‌ای که روز پنجشنبه ۵۸/۹/۱۵ در "کارخانه کوشا" (واقع در بابلسر) تشکیل دادند تصمیم گرفتند از ترکیب اتحادیه‌های زمینداران مازندران و گرگان و گنبد اتحادیه مستقلی تشکیل بدهند تا از سازماندهی بهتری برخوردار باشند.

سپس در جلسه روز جمعه ۵۸/۹/۱۶ خود در ساری تصمیم گرفتند آئین‌نامه و اساسنامه اتحادیه را تدوین و پس از آن علناً اعلام موجودیت کنند که ما خبر آنرا در خبرنامه شماره ۷ نوشتیم.

همچنین در خبرنامه شماره ۸ یک نمونه دیگر از دسیسه‌های زمینداران را که پیشرمانه طرحریزی کرده بودند تا "مجوز قانونی" برای سرکوب روستائیان زحمتکش بدست آورند، درج کردیم. طبق این طرح روز شنبه اول دیماه اتحادیه بعنوان "کشاورزان زحمتکش"؛ راهی قم شدند تا در آنجا چنین وانمود کنند که

عده‌های "کمونیست" نمیگذارند ما بکار خود بپردازیم و در زمینهای خود! کشت و زرع کنیم!! و بدین ترتیب حکم رسمی برای اجرای مقاصد پلیدشان بدست آورند. در خبرنامه شماره ۹ دیدیم که از سرکوت "زحمت" و دست و دل بازی! های "اتحادیه زمینداران" در دو مورد "کمیسیون پنج نفره" بنفع زمینداران رای صادر کرد و ۷ مورد دیگر از صدور رای بنفع زمینداران را خبرنامه شماره ۱۰ دیدیم فعالیت "اتحادیه زمینداران" در نقاط مختلف کشور روز بروز شدت بیشتری گرفت و در شرایطی که هر صدای حق طلبانه‌ای با تهدید و شکنجه و گلوله پاسخ داده میشود، "اتحادیه زمینداران" ستاد مرکزی خود را تحت عنوان "شورای کشاورزی" در تهران جنب ساختمان وزارت کشاورزی دایر نمود و قرار است در مرکز هر استان نیز یک ستاد ایجاد شود تا منظمآً اهداف زمینداران را دنبال کنند. بعلاوه اعضای "اتحادیه زمینداران" در سراسر کشور، پس از یکرشته گفتگوها نمایندگانی از بین خود برگزیده آنها را بنزد روحانیون فرستادند تا آنان نظر خود را در مورد صادره زمینها توسط زحمتکشان روستا (یا به قول زمینداران غصب زمینها توسط کشاورزان) اعلام نمایند. نمایندگان مزبور روز جمعه ۱۷ اسفند ماه نزد روحانیون آمدند و فتواییهای آنها را برای زمینداران بردند.

آنچه که باید مورد توجه قرار گیرد اینست که دولت که برای حفظ منافع امریالیسم، پیاده کردن یک سیاست ارضی جدید را لازم میبیند، برای اجرای طرحهای خود به همه مخالفانش چنگ و دندان نشان میدهد. هر چند از نظر ماهیت این سیاستهای ارضی جدید کاملاً همانند سیاستهای رژیم در "اصلاحات ارضی" است و هیچیک از آنها جز بسط سلطه جهنمی غارتگران خارجی و داخلی در روستاهای کشور، هدف دیگری را دنبال نمیکند، ولی زمینداران که به غارت و چابول مر دم بسبب قدیم خو گرفته‌اند، درست مانند فتوایها که ابتدا با "اصلاحات ارضی" مخالفت میکردند، پند-یرش این تحولات برایشان مشکل است، بهمین جهت بهر وسیله‌ای متوسل میشوند تا همان نظم قدیم را حفظ کنند.

تضادهای درونی طبقه حاکمه و وابستگان به این طبقه نیز کمک میکند تا آنها بتوانند برای سرکوب روستائیان زحمتکش و حفظ منافع پلید خود محل شرعی نیز بترا-شند تا برخی از مردم را با آن فریفته، موجبات سرکوب زحمتکشان را فراهم آورند. اینک متن سه فتوایه:

متن این اسناد در صفحه ۱۲ درج شده است.

بسم الله الرحمن الرحیم

حضرت آیت الله العظمی مازندرانی مد ظله
ساز این نامه و عرض اوقات مستغنی است
سوال ذیل را با این وجه
فایده است نظر بدارند و اندوهناکند و تصدقاً
مافیت با اموال شرعی در حین راهزنی انجام داده و می دهند و حتی لایحه ای هم
در مطبوعات که در مجله روشیه گویان ۵۸/۱۳/۱۳ خرداد ۱۳۵۸
بازارچه، مساجد، معابد و اماکن، ذیل بیان فرموده.

بصورت مسافه واصل (التیسی)
فایدی از طریق فرزند افراد
را با این وجه

با احترام، گروهی ازک در زمان فرا

و من تبع غیر الاسلام دنیا فین ذل من و هره الاقره من الی سون
مالیت مطلقاً نیست زمین آزاد چنانچه در هر یک و سایر اموال که در
از احکام ضروری اسلام است که از آنکه منشا جبهه اسلام را در پیج و قابل تفسیر و
تفسیر نیست دلیل بر عدم ابطال و آنم حلال الا اوم القیبه و غیر حرام الا اوم القیبه
و غیر قضایات است و بولای فقهای اسلامی از قبل خرید و فروش و اطاره و
بمهر و وجه و مزارع و مسافه و غیر این که در کتب فقهای مستوفی است
در آن اموال تصرف نمود غیر از تصرف با امر و یا تصرف
محدود تعقیب و مجازة واقع نشود در اموال اسلام است که از این قبیل
فقهاء غیر جانبدار و بی طرفند و در هر یک و در کتب و کتب است که در
چون با اطلاع دست باطل کرد و از آنکه خط و اسلام با خط و اسلام
و بر خلاف این صبح لایحه مذکور نیست و من در کتب با آنکه در کتب با آنکه در کتب

www.iran-archivist.com

دکتر بیست آیت الله موعظ
در زمان رضا شاه و در زمان قاجار
و با سلام و احترام و عرض تبریک
و با احترام و عرض تبریک و عرض تبریک
۱۳۵۸
۱۳۵۸
۱۳۵۸

۱ - متن نامه زمینداران و فتوایه آقای شیرازی :

بسمه تعالی

محضر مقدس حضرت مستطاب آیه . . . العظمی شیرازی مد ظله العالی

من از ابلاغ سلام و عرض ارادت مستدعی است سؤال ذیل را پاسخ دهید :

با اینکه بیش از یک هزار و چهار صد سال است که از بعثت خاتم انبیا می گذرد و با اصل مالکیت در اسلام و احکام فقهی شیعه در مورد مزارعه و مضاربه و مساقات و اصل (الناس سلطون علی اموالهم) آیا تصرف عدوانی در ملك و زمین دیگری از طریق فرد یا افراد یا سازمان دولتی از نظر شما جائز است یا خیر لطفاً حکم . . . را بیان فرمائید .

بسم الله الرحمن الرحيم و الحمد

تصرف در زمین یا ملك و اموال دیگری جز بر اساس آنچه که در شرع مقدس اسلام بیان شده است جائز نیست و هر گونه تصرفی از قبیل تصرفهای اخیر که اکثراً بر خلاف رضای مالك و موازین شرعی است جائز نیست و با اسلام موافق نمیباشد و غضب است و حرام و اکیداً باید از اینگونه اعمال خلاف شرع جلوگیری نمود واللهم العالم

۱۳ / اسفند ماه / ۱۳۵۸ / ۱۵ / ربیع الثانی ۱۴۰۰ سیّد

عبد الله شیرازی

۲ - متن نامه زمینداران و فتوایه آقای قمی

بسمه تعالی

۱۳۵۸ / ۱۲ / ۱۲

محضر مبارک مرجع عالیقدر، حضرت آیت الله العظمی قمی، مد ظله العالی

با اهداء سلام و عرض ارادت، مستدعی است نظر مبارک را در زمینه اقدامات و تصرفات اخیر که از ناحیه برخی ارگانهای دولتی و غیر دولتی نسبت به املاک شرعی و زمینهای دائر کشاورزان انجام داده و میدهند و حتی لایحه ای هم در این زمینه در مطبوعات کشور منجمله روزنامه کیهان مورخه ۱۳۵۸ / ۱۲ / ۱۲ منتشر شده است، با توجه بضوابط اسلام و مالکیت و اصولی مانند مزارعه، مساقات و مضاربه، بیان فرمایند .

با احترام، کشاورزان خراسان

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله

هرگاه کسی از زمینهای موات بآثره را که مباح است احیاء و آباد نماید، مالك آن زمین میشود و چنانچه با رت یا بوسیله معامله بدیگری منتقل شود آن دیگری مالك آن میشود و مادامیکه آن زمین آباد نگاه داشته شود بسی اشکال کسی حق ندارد در آن تصرف کند یا آنرا بگیرد و بدیگری بدهد و فرقی نیست بین زمین بزرگ و زمین کوچک و زمین هر قدر بزرگ باشد و وسیع اگر آباد کند و کشت و کار در آن بنماید مالك میشود و شوارع مقدس حدی بر مالك شدن زمینی مقرر نفرموده و در مثل ایران که زمینهای بآثره مباحه بسیار وسیع بقدر کفایت بلکه چندین برابر کفایت موجود است که دولت هر مقدار زمین بخواهد که آباد کند و در اختیار افراد بگذارد یا هر فردی که بخواهد از زمینهای بآثره مباحه آباد کند در اختیار بگیرد موجود است دیگر جای حرفی و اشکالی نیست واللهم العالم القمی

۳ - متن نامه سوم و فتوایه آقای مرعشی را از اصل سند (صفحه ۱۱) میتوان براحتی خواند .

از مبارزات روستائیان مبارز چمان حمایت کنیم

دهقانان و زحمتکشان مبارز ساری :

روستائیان مبارز " چمان " در جریان انقلاب همانند سایر مردم تحت ستم با خاستند تا حقوق واقعی خویش را بدست آورند و به استعمار و ستم چندین ساله زمینداران بزرگ خاتمه دهند. اما از همان آغاز با حمله چماق داران و مزدوران مواجه شدند و در این رابطه شکایات بسیاری به کمیته انقلاب اسلامی و دادگاه انقلاب و سایر مقامات مسئول نوشتند ولی نتیجه تمامی این اقدامات این شد که افراد کمیته نکا و سپاه جوانمرد و ژاندارمری بفرماندهی سروان روان، بارها و بارها بطرفداری از زمینداران بزرگ بر علیه کشا و رزان اقدام نمودند و آنها را به دادگاه کشیدند، تهدید کردند و مانع شدند تا کشاورزان غیور زمینهای خود را مصادره نمایند. کمیته نکا برای اینکه بتواند روستائیان را بهتر کنترل کند، چند نفر از افراد ناآگاه را وادار به جاسوسی نمود و مرتباً به آزار و اذیت زحمتکشان پرداخت اما دهقانان مبارز " چمان " با وجود همه این تهدیدها و لشکر کشیهای سروان روان، ۳۰ هکتار از زمینهای " دهبندی " خونخوار را مصادره کردند.

از آن بعد دهبندی بیشتر به فعالیت پرداخت و بهمراهی کمیته نکا تهدیدها و ستمها و آزار مردم را بیشتر نمود تا اینکه یکپخته پیش مجدداً پاسداران به زچمان رفته و چند نفر از کشاورزان مبارز را بکمیته بردند ولی بعد از مدتی آزاد نمودند. سپس از طرف دادگاه ساری احضاریه ای برای روستائیان صادر شد و آقای بازوکی دادستان ساری نیز بحمايت از " دهبندی " خونخوار برخاست و مردم را تهدید کرد که چنانچه بدادگاه نیایند، ۵۰ نفر اسدرا را به ده خواهد فرستاد و به زور اهالی را بدادگاه خواهد کشاند.

از گفته های آقای دادستان چنین بر می آید که : قانون تقسیم زمینهای زمینداران بزرگ فقط حرف بوده و در عمل مقامات مسئول طرف زمینداران بزرگ را گرفته اند، و در این راه سپاه جوانمرد و پاسداران و ژاندارمری نیز بحمايت از زمینداران بر علیه کشاورزان عمل میکنند. اما در بین پاسداران افراد زیادی هستند که تن به این عمل ضد مردمی نمیدهند ولی متأسفانه در طی یکسال گذشته هیچ موردی دیده نشده که پاسداران بحمايت از کشاورزان " چمان " برخیزند بلکه برعکس همواره سروان روان و افرادش از طرف کمیته نکا به سرکوب دهقانان " چمان " پرداخت. آنچه مسلم است، دهبندی ستمکار برای جلوگیری از مبارزات مردم به هر دری میزند و بطرق مختلف سعی میکند کشاورزان را سرکوب نماید. ولی اگر دهبندی مثل سنگ بجان مردم افتاده، چرا کمیته انقلاب و سپاه جوانمرد و دادستان ساری از او حمایت می کنند؟

اگر واقعا قرار است قانون تقسیم زمینها به اجرا در آید، پس چرا آقای بازوکی بحمايت از دهبندی میخواهد مردم " چمان " را سرکوب کند؟

پس چرا ژاندارمها و افراد سپاه جوانمرد به " چمان " میروند و ایجاد وحشت میکنند؟

پس چرا تاکنون حتی يك متر از زمینهای دهبندی خونخوار بنفع دهقانان تقسیم نشده است؟

پس چرا هر روز بیبهايه های مختلف کشاورزان را به دادگاه میکشند؟

پس چرا سپاه پاسداران از دهقانان " چمان " حمايت نمیکند؟

جواب معلوم است. تا کشاورزان خودشان زمینها را مصادره نکنند، هیچ مقام دولتی بآنها زمین نمیدهد. مردم وقتی میتوانند حقشان را بگیرند که مبارزه کنند. هیچکس حق مردم را بآنها نمیدهد بلکه باید حق را به زور از سرمایه داران و زمینداران بزرگ گرفت. باید مبارزه کرد تا آخرین نفس هم مبارزه کرد. این تنها راه رسیدن به حق است.

روستائیان مبارز و مردم غیور ساری، با حمايت از مبارزات روستائیان " چمان " یوزه زمینداران خونخوار را بخاک بمالید و ضربه دیگری بر امریالیسم وارد آوریم.

مرگ بر زمینداران خونخوار پیروز باد مبارزات دهقانان قهرمان ساری

دهقانان بیدار

درد بر روستائیان مبارز چمان

ناطق نوری

سرپرست بنیاد مستضعفین مازندران و گیلان و کاندیدای مجلس شورای اسلامی

از شهرستان نور را بهتر بشناسیم

آقای عباس ناطق نوری چهره ضد مردمی شناخته شده د بیروزی که با گذاشتن ته ریشی امروز انقلابی !! شده است، برای اهالی شهرستانهای نور، نوشهر و چالوس از شهرت کافی برخوردار است. ناطق نوری که مدتی است سرپرستی بنیاد مستضعفین مازندران و گیلان را بعهده گرفته است، دارای سوابق درخشانی است !! ایشان همکاری و رابطه بسیار نزدیک با چهره های منفوری مانند " حسین فرهادی " مباشر املاک شاهپور غلامرضا و مسهندس مترقی مشاور و وکیل املاک شاهپور غلامرضا که در غصب زمینهای روستا - میان بنفع شاهپور غلامرضا دست داشته و مرتکب جنایات بیشماری شده، داشته است .

یک نمونه از کجکهای ناطق نوری به مستضعفین !! مازندران و گیلان، همکاری ایشان با جمشید جوان شیر سرمایه دار و زمینخوار (صاحب مثل قو و شرکت ساقی کلایه) که چهره منفور او برای خیلی ها شناخته شده است، می باشد . جمشید جوان شیر هنگامیکه با همت مردم غیور ساقی کلایه بعنوان یک تجاوزگر و خائن تحویل دادگاه انقلاب گردید ، تا دادگاه با اصطلاح انقلاب او را بسزای اعمالش برساند . غافل از اینکه این دادگاهها اخذ رشوه از نامبرده او را از خشم مردم رهانیده است موضوع از این قرار است که : جوانشیر برای نجات از محکومیت حاضر شد تا ... از دارائی خود را تحویل بنیاد مستضعفین قرار دهد و در همانجا بود که سرو کارش با آقای ناطق نوری افتاد و این دو دلسوز مستضعفین !! با یکدیگر کنار آمدند . شاهد مثال نامه ایست که ناطق نوری برای جمشید جوانشیر فرستاده است و به او اختیار تام میدهد که هر تصمیمی را که لازم میدانند میتواند برای سرکوب کارگران مثل قو و شرکت ساقی کلایه که تعداد آنها ۵۰ نفر میرسد ، بگیرد و هر دخل و تصرفی را که لازم میدانند در این اموال صورت دهد . یکی از علل نوشته شدن نامه ناطق نوری به جمشید جوانشیر آنست که کارگران مثل قو و شرکت ساقی کلایه که در شرایط سخت زندگی قرار گرفته اند ، نامه ای بمرکز فرستاده و خواستار رسیدگی به وضع خود شده اند .

عین نامه : آقای جمشید جوانشیر

بدین وسیله بشما اعلام میگردد منظور تسریع در روشن نمودن بدهی و مطالبات خود و شرکت ساقی کلایه با بانکها و موسسات و ادارات دولتی و ملی در صورت لزوم باز خرید و پرداخت حقوق قانونی کارگران شرکت ساقی کلایه و اداره مثل قو بهر نوعی که صلاح و لازم باشد و همچنین دریافت و پرداخت درآمدها و مخارج و حقوق و شرکت ساقی کلایه و تنظیم اجاره نامه و انجام تعهدات و قرار دادهاییکه قبلا امضا شده و کلیه مطالبات لازم با ادارات و افراد و موسسات از طرف این بنیاد وکالت و اختیار تام دارید که نسبت به هفتاد درصدی از اموال خود را که به این بنیاد واگذار نموده اید هرگونه اقدام و عملی که لازمست بعمل آورده و هفته ای یک بار گزارش کاملی از کلیه عطیات و امور انجام شده را به نماینده قانونی بنیاد در دادگاه انقلاب ساقی کلایه و نوشهر تسلیم نمائید . امضاء عباس ناطق نوری

شرکت در انتخابات مجلس شورا، شرکت در فریب و تحمیق توده هاست

چریکهای فدائی خلق ایران - ۵۸/۱۲/۳

انتخابات مجلس شورا، نه " عرصه نوین مبارزه " بلکه ادامه همان قصه رسوای مجلس

چریکهای فدائی خلق ایران - ۵۸/۱۲/۳

" خبرگان " است .

ارتجاع را در ایجاد ارگانهای ضد خلقی فلسج نمائیم، توده ها را در ایجاد

ارگانهای واقعی قدرت خلق یاری نمائیم .

چریکهای فدائی خلق ایران - ۵۸/۱۲/۳

هرگونه شرکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی مهرتأیید به ادامه

فریب توده ها از طریق هیئت حاکمه است .

جنبش دانشجویی ۱۹ بهمن - هوادار چریکهای فدائی خلق ایران -

دانشگاه شیراز

قائم شهر
 بمناسبت بزرگداشت یاد ۶ تن از چریکهای فدائی خلق ایران رفقا: مسعود احمد زاده، عباس
 مفتاحی، مجید احمد زاده، اسد الله، مفتاحی، حمید تولکی و غلامرضا گلوی، نمایشگاه عکس و کتاب از طرف
 هواداران چریکهای فدائی خلق ایران - قائم شهر، از تاریخ ۵۸/۱۲/۲۰ دایر شد و بمدت
 یک هفته ادامه خواهد داشت. محل برگزاری نمایشگاه چهارشنبه بازار قدیم (بازار روز) واقع در خیابان
 تهران است.

اعلامیه جدید

پیام چریکهای فدائی خلق بمناسبت سالروز شهادت ۶ تن چریک فدائی خلق

(اعلامیه شماره ۲۷ چریکهای فدائی خلق)

"۱۱ اسفند سالروز شهادت شش تن از چریکهای فدائی خلق ایران است: رفیق مسعود احمد زاده، رفیق
 عباس مفتاحی، رفیق مجید احمد زاده، رفیق اسد الله مفتاحی، رفیق حمید تولکی و رفیق غلامرضا گلوی.

این رفقا از پاک باخته ترین فرزندان خلق و کسانی بودند که با تحمل وحشیانه ترین شکنجه های ساواک
 و اطلاعات شهربانی، حماسه های پرشکوهی از مقاومت در تاریخ مبارزات خلقهای ایران ثبت کردند. رفیق

مسعود احمد زاده و رفیق عباس مفتاحی که روزهای بسیاری بزیبر شکنجه های دژخیان محمد رضا شاه کشیده
 شدند، آنچنان پرشور و استوار در مقابل دشمن ایستادند که اعجاب و تحسین حتی دشمن را برانگیختند.
 این رفقا و دیگر همزمانی که با آنها در میدان تیر شاه جلا در مقابل جوخه اعدام قرار گرفتند، ثابت کردند
 که مخزن اسرار خلقی بزرگند، و قهرمانانه تا پای دار و سبکام مرگ با دلی گرم از امید به پیروزی خلقهای
 تحت ستم کشورمان بر پیمان خود وفادار ماندند، و خون خود را نثار این پیمان نمودند.

امروز هشت سال از شهادت آنها میگذرد، اما آنچه آنها برای مبارزه خلق ما و برای طبقه کارگر ایران
 بازگو کرده اند، همچنان طنینی پرخروش دارد. دستاوردهای تئوریک و رهنمودهای عملی آنها در بستن
 واقعیات اجتماعی جامعه ما صحت خود را ثابت کرده اند. و علم مردم سلطه قوی اپورتونسیسم بر جنبش کمونیستی
 همچنان جزو مسائل مورد مشاجره جنبش انقلابی و کمونیستی ایران اند.

حقیقت آنستکه ره آورد های انقلابی رهبران چریکهای فدائی خلق، از جمله رفیق مسعود احمد زاده از حد
 یک مشی و یا موضع انقلابی فراتر میرود. این رفقا بواسطه برخورد جدی با مسائل جنبش کمونیستی و
 انقلابی خلق ایران توانستند مارکسیسم - لنینیسم انقلابی را با شرایط مشخص پیوند زنند. و امروزه ما
 شاهد آنیم که جنبش مسلحانه ایران، دارای دیدگاهی است که آنرا از همه جریانات دیگر موجود در درون
 جنبش متمایز میسازد. اگر این دستاوردها را در متن زمانی آن و دیگر نظریاتهای جاری در جنبش، مورد
 مطالعه و نقد نظر قرار دهیم، به اهمیت آن پی می بریم....."

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق برهبری طبقه کارگر

رفقای مسئول توزیع خبرنامه،

بهای خبرنامه ۲۰ ریال است، ولی برای توزیع آن در بین زحمتکشان پولی دریافت نکنید

تکمیل از یگروهی از هواداران